

سردبیر محترم مجله آینه پژوهش

با سلام و احترام، همانگونه که مستحضری «مقاله حدیث شناسی خاورشناسان...» که در شماره ۱۲۷ مجله درج شده، مربوط به نقد و بررسی کتاب اینجانب فروغ پارسا است. گفتنی است مقاله منتشر شده، بسیار فراتر از معرفی و نقد کتاب است. در واقع ناقد محترم با ارجاعات ساختگی در پی القای این معناست که مؤلف با ذکر نکردن، منابع خود، مرتکب سرقت علمی شده است.

با توجه به قانون و عرف رایج در مطبوعات، خواهشمند است نکات ذیل را به عنوان جواب آن مقاله، در شماره بعدی درج نمایید. در همان حال اینجانب پیگیری حقوق دیگر خود را محفوظ می‌دانم.

با سپاس

فروغ پارسا

۱. یش از هر چیز از توجه نویسنده مقاله به کتاب «حدیث درنگاه خاورشناسان» کمال تشکر را دارم؛ چنان که شخص ایشان آن ماه‌ها پیش از انتشار کتاب نیز مترصد به طبع رسیدن آن بوده و برخی از فقرات آن را در اختیار داشتند.

۲. توجه دادن به این نکته احتمالاً لازم نیست که: عنوان و موضوع کتاب، حدیث درنگاه خاورشناسان است. بررسی و تحلیل مطالعات موتسکی چنان که روی جلد آمده، عنوان فرعی کتاب است.

۳. کتاب در صدد تبیین دیدگاه‌های خاورشناسان در مورد حدیث بوده و به نظر می‌رسد تا حدود زیادی این مهم را به انجام رسانده است. چنان که موفق به طرح مباحثی شده که با وجود قدمت دو بیست ساله‌شان حتی در بین استادان علوم حدیث ناشناخته بوده‌اند. در واقع محافل علمی ما، اعم از حوزوی و دانشگاهی، همواره به حدیث به مثابه یک امر مقدس و متعالی توجه کرده و رویکردهای انتقادی خاورشناسان را به هیچ روی بر نمی‌تابیده‌اند. چگونگی سنت‌های نقل حدیث و تحولات آن از عصر پیامبر ﷺ تا زمان پیدایی مجموعه‌های حدیثی، فرایند تکوین و تکامل مفهوم سنت به آن معنایی که امروز منبع و مرجع آموزه‌های اسلامی است، رویه سندگذاری برای حدیث و تاریخی که بر آن گذشته، همگی از اموری هستند که دانشجویان حدیث حتی در سطوح تحصیلات تکمیلی از آنها بی‌اطلاع هستند. تاریخچه این مباحث نشان می‌دهد حتی حدیث‌شناسان مسلمان هم توجه بسیار اندکی بدین امور داشته‌اند. می‌توان ملاحظه کرد که نتایج مطالعات خاورشناسان در



نقد و بررسی کتاب

در پاسخ نقد کتاب «حدیث درنگاه خاورشناسان»

فروغ پارسا

چکیده: در شماره ۱۲۷ مجله آینه پژوهش مقاله‌ای با عنوان «معرفی و نقد کتاب: بررسی حدیث شناسی خاورشناسان: تبیین و تحلیل یا ترجمه و تدوین؟!» به چاپ رسید. خانم پارسا نویسنده کتاب «حدیث درنگاه خاورشناسان» است که آقای سیدعلی آقایی در مقاله پیش گفته، به معرفی و نقد کتاب ایشان اقدام کرده بودند. در این شماره مجله، پاسخ خانم پارسا به نقد آقای آقایی درج و ارائه می‌گردد.

و آثار موتسکی در موارد بسیاری همپوشانی داشته، بنابراین احتمالاً طبیعی است که منابع و ارجاعات همسانی داشته باشند، ولی اتفاقاً ارجاعات کتاب نشان می‌دهد مؤلف از نسخه‌هایی به غیر از نسخه‌های مورد استفاده مقاله موتسکی استفاده کرده است.^۸ در همان حال معلوم نیست به چه دلیلی ناقد محترم به القای این امر اصرار دارد که منابع مورد مطالعه، به هیچ روی در دسترس مؤلف نبوده و وی آنها را از آثار موتسکی اقتباس کرده است.^۹

۶. ناقد محترم همچنین بر اثبات این مطلب اصرار دارد که بخش‌هایی از مقاله موتسکی با ترجمه آقای مرتضی کریمی نیا بدون ذکر نام ایشان در کتاب استفاده شده است.^{۱۰}

ولی معلوم نیست به چه دلیل باید مؤلف این پنهان کاری را انجام بدهد، در حالی که در موارد دیگر به ترجمه مقالات از جمله مقاله ناقد محترم^{۱۱} ارجاع داده شده است. طبیعتاً ارجاع دادن به ترجمه آقای کریمی نیا به عنوان طلایه دار و پیشکش حوزه مطالعات خاورشناسان

۸. برای مثال نسخه مورد استفاده از کتاب میروابوت، شناسه‌های ذیل را داشته‌اند:

Muir, William, *The life of Mahomet*, London, 1861.

Abbott, Nabia, *Studies in Arabic Literary Papyri II: Qur'anic Commentary and Tradition*. The University of Chicago Oriental Institute Publications, Volume 76. Chicago: The University of Chicago Press, 1967.

در حالی که موتسکی بنابر کتابشناسی‌ای که ارائه داده، از نسخه‌های ذیل استفاده کرده است:

Muir, William, *The life of Mahomet* (London, 1858)

Abbott, Nabia, *Studies in Arabic Literary Papyri II: Qur'anic Commentary and Tradition*. (Chicago, 1971).

همچنین، ترجمه فرانسه کتاب دوزی با شناسه ذیل در دسترس مؤلف بوده، در حالی که موتسکی از اصل کتاب به زبان هلندی است.

Dozy, R. *Essai sur l'histoire de l'Islamisme*. Translated by V. Chauvin. Paris: Leude, 1879. Reprinted, Amsterdam: Oriental Press, 1966.

۹. Barthélémy d'Herbelot, *Bibliothèque orientale, ou dictionnaire universel*

که به عنوان منبع بسیار کهن (و لاجرم ناقد را به خود جلب کرده است، نه فقط در مقاله موتسکی، بلکه در بسیاری از مقالات و بیش از همه دایرة المعارف‌های مستشرقان وجود دارد. (رک به: نجیب العقیقی؛ المستشرقون؛ ج ۱، ص ۱۵۹؛ عبدالرحمن سدوی، دایرة المعارف مستشرقان؛ ص ۷۰۹-۷۱۱). گفتنی است که اتفاقاً این کتاب را «Kiss inger publishing» در سال‌های جدید به تناوب منتشر کرده است و حتی بخش‌هایی از آن به صورت «on line» قابل دستیابی است. به هر روی، نسخه‌های این کتاب در کتابخانه‌های تخصصی موجود و به راحتی قابل دسترسی است. تعبیر «منبع کهن لاتین» انسان را بیشتر به یاد ناقد محترم برای اثبات ادعای خود در پاروفاقی ۱۵ مقاله‌اش، صفحاتی از کتاب را نیز ذکر کرده، ولی مراجعه به این صفحات به هیچ روی ادعای ایشان را ثابت نمی‌کند؛ در واقع هیچ مطلبی که عین ترجمه آقای کریمی نیا باشد یافت نمی‌شود. در رابطه با همین ادعاست که مخصوصاً مجله آینه پژوهش و سردبیر آن، باید مسئولانه‌تر برخورد می‌کرد؛ و جد آجای گلابه و شکایت باقی است.

در همین پاروفاقی، ناقد، از این عبارت استفاده کرده که «مؤلف برای گمراه کردن خوانندگان» فقط در موارد خاصی به مقاله موتسکی ارجاع داده است. معلوم نیست به چه دلیل مؤلفی که به اعتراف ناقد محترم مرتباً از تعبیر «موتسکی می‌گوید»، «موتسکی می‌نویسد» استفاده کرده، در این جا باید از ذکر نام موتسکی پرهیز کند و خوانندگان خود را گمراه نماید.

۱۱. سیدعلی آقایی؛ «تاریخ‌گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد»، مجله علوم حدیث، ش ۴۱، ۱۳۸۵.

خوانندگان می‌توانند این مقاله را با ترجمه مقاله ذیل موتسکی مقایسه کنند و میزان تفاوت آنها را متوجه شوند:

Motzki, Harald, "Dating Muslim Tradition A survey", *Arabica*, 52: 2 Brill, NV, (2005), pp. 204-253

این زمینه‌ها، با عنوان مطالب ضداسلامی و کفرآمیز تخطئه شده و آثار آنها به مثابه کتب ضالّه از کتابخانه‌های ما حذف شده‌اند؛ در واقع در محافل دینی ما این رویه وجود دارد که فقط آن دسته از آثار غربی که دیدگاه‌های اسلامی - مذهبی ما را مورد مدح و ستایش قرار داده‌اند، قابل مطالعه و انتشار هستند.

به هر روی در حدیث در نگاه خاورشناسان این امکان به وجود آمد که دیدگاه‌های انتقادی و حتی خیلی افراطی نسبت به حدیث مطرح شود، به این امید که دانشمندان و حدیث‌شناسان مسلمان آنها را مورد مذاقه قرار داده، اظهار نظر کنند. به نظر می‌رسد با وجود دیدگاه ناقد محترم، خوانندگان آشنا با این گونه مباحث آنقدر اندک هستند که در مقایسه با جامعه آماری طلاب و دانشجویان حدیث، به تعبیر ریاضی، تعدادشان میل به صفر می‌کند.

۴. کتاب، طبیعتاً برای سامان دادن فصل‌های مختلف از مقالات و کتاب‌های موتسکی استفاده کرده است، ولی این ادعا که فصل‌های اول و دوم کتاب که در حدود ۱۳۰ صفحه هستند، به لحاظ شکلی و محتوایی از مقاله سی صفحه‌ای موتسکی^۱ گرفته شده است، اندکی بی‌وجه به نظر می‌رسد. طراحی ساختار کتاب پیش از انتشار مقاله موتسکی و با مشورت خود وی صورت گرفته و اساساً تصور نمی‌رود پژوهش درباره مطالعات حدیثی خاورشناسان با ساختار دیگری شکل بگیرد. از موارد اختلاف این دو فصل با مقاله موتسکی، دامنه پژوهش آنهاست؛ چنان‌که موتسکی مطالعات ونسینک^۲ و کلسون^۳ را مورد توجه قرار نداده است؛ اگرچه در جایی فقط از کلسون نام برده است. در عوض در این دو فصل، مطالعات بکر^۴، کرمر^۵، برتون^۶، پاورز^۷ و شماری دیگر از خاورشناسان مورد بررسی قرار نگرفته‌اند؛ در حالی که موتسکی بدانها پرداخته است؛ از سوی دیگر طبقه‌بندی مطالعات حدیثی غرب در این کتاب بر اساس مبانی روش‌شناسی آنها صورت گرفته که با ایده موتسکی کاملاً متفاوت است و حتی وی به این گونه دسته‌بندی اعتقاد ندارد. موتسکی عمدتاً این دانشمندان را بر مبنای دیدگاهی که نسبت به نظریه شاخت راجع به حدیث دارند، طبقه‌بندی کرده است.

۵. گستره تحقیق در کتاب حدیث در نگاه خاورشناسان با مطالعات

1. 'Introduction - Hadith; Origins and Developments', in H. Motzki (ed), *Hadith: Alder-shot*, 2004, xii - xliii.

البته ناقد محترم در سطوره بعدی به این ایده می‌رسد که مؤلف همان مقاله را با اندکی طول و تفصیل (احتمالاً ۱۰۰ صفحه‌ای) سامان داده است!

2. Wensinck.

3. N. Coulson

4. Carl Heinrich Becker.

5. Von Kremer.

6. John Burton.

7. David Powers.

خیلی موجه ترازارجاع دادن به ترجمه شاگردان ایشان است.

۷. در رابطه با ارجاعات، مؤلف تلاش کرده در مواردی که اصل منبعی را در اختیار نداشته، با عبارت «به نقل از:» به منبع اشاره کند.^{۱۲} اما در مواردی که معلوم است مطلبی از قول موتسکی مطرح شده، همان ارجاعات موتسکی صرفاً برای آشنایی خواننده بیان شده که احتمالاً همان طور که ناقد محترم توجه کرده است، باید دقت بیشتری به کار می‌رفت.

۸. تأثیر تحولات فلسفه علم و نیز تأثیر الگوواره‌های غالب بر مطالعات علوم انسانی (حتی علوم حدیثی)^{۱۳} امری است که امروزه کاملاً پذیرفته شده است، در حالی که ناقد محترم آن را به پیش فرض‌ها و تصورات مؤلف کتاب نسبت داده است.

مطالب کتاب به طور تفصیلی و جزئی نشان داده که اختلاف دیدگاه‌های دانشمندان غربی در مورد حدیث، مربوط به اختلاف روش‌شناسی آنهاست (امری که موتسکی با آن موافق است). بیش از آن در خلال گزارشی که از ادوار مختلف فلسفه غرب^{۱۴} بیان کرده است، نشان داده خاستگاه این اختلاف، مربوط به تحولات فلسفه علم است (موتسکی مخالف این دیدگاه است). تبیین و برشماری ویژگی‌های روش‌شناسی‌های مختلف و انطباق آنها با مطالعات امثال شاخ و موتسکی که در دو پارادایم مختلف پژوهش کرده‌اند، کاری است که در کتاب صورت گرفته و فرضیه خود را ثابت کرده است. موتسکی شخصاً این ایده را قبول ندارد، ولی موافقت یا مخالفت وی قطعاً تأثیری در واقعیت این امر ندارد و چنان که در متن کتاب هم آمده، تحلیل نوع آموزش‌ها و دیدگاه‌های وی نشان می‌دهد او نیز تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته است.

تأثیر الگوواره‌های غالب، به طور خاص در انتشار کتاب حدیث در نگاه خاورشناسان قابل ملاحظه است؛ چه آن‌که پیش از این، ضرورت و امکان انتشار چنین مطالعاتی به هیچ روی فراهم نمی‌آمد.

۹. به نظر می‌رسد با وجود دیدگاه ناقد محترم، تحلیل و بررسی آثار موتسکی در خلال مقایسه دیدگاه‌های حدیثی وی با دیگران و بیش از آن از طریق تبیین تمایز روش‌شناسی مطالعات آنها صورت گرفته است و اساساً شکل دیگری از تحلیل در شمار اهداف این پژوهش نبوده است. از سوی دیگر، تبیین و ترجمه، تفصیلی مطالب بنا به دلایلی که در سطور فوق مطرح شد، از اهداف مهم کتاب بودند.

۱۰. انتقاد مربوط به به‌کارگیری عنوان سنت حدیث پژوهی برای

۱۲. رک به: صص ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۵۷ و موارد دیگر.

۱۳. در کتاب نیز یادآوری شده است دانش‌های سنتی همچون علوم قرآنی و علوم حدیث بسیار کند و خیلی دیرتحت تأثیر این تحولات قرار می‌گیرند، ولی به هر حال متحول می‌شوند.

۱۴. تبیین این مطلب البته امر پیچیده‌ای است و احتمالاً همان‌گونه که ناقد محترم گفته است، به مقدمه چینی‌هایی بیش از موراجمالی فلسفه غرب نیاز دارد.

موتسکی نیز بی‌وجه به نظر می‌رسد. برای پژوهشگران آشنا با مطالعات غربی، این نکته بدیهی است که موتسکی، در حوزه مطالعات حدیثی شخصیت ویژه‌ای دارد و با دیگر دانشمندان این عرصه قابل مقایسه نیست. مسئله فقط مربوط به استفاده از روش نقد متن و اسناد برای نقادی حدیث نیست که گفته شود؛ دیگران هم این روش را به کار گرفت‌اند. حجم مطالعات و گستره مطالعات موتسکی با دیگران قابل مقایسه نیست. از همه مهم‌تر گفتمان ضد شاختی (Anti Schacht) است که موتسکی در خلال مطالعات خود به وجود آورده است. مقایسه موتسکی با شخصی مانند اُری روبین^{۱۵} این ایده را به ذهن متبادری سازد که ناقد محترم فقط اسم روبین را شنیده است. اُری روبین استاد دانشگاه تل‌آویو است و همه مطالعات وی صبغه یهودی‌گرایانه دارد. موتسکی امروز مانند یک دانشمند مسلمان از هویت حدیث اسلامی دفاع می‌کند و در هر گوشه‌ای از دنیا که کسی راجع به حدیث نظریه یا مقاله‌ای ارائه بدهد، فوراً با پاسخ و مناقشات موتسکی مواجه می‌گردد.^{۱۶}

۱۱. این مطلب که کتاب حدیث در نگاه خاورشناسان حاصل بازبینی پایان‌نامه دکتری مؤلف است، طبیعتاً باید به نوعی امتیاز شمرده شود. چه آنکه معمولاً پایان‌نامه‌های برتر و موفق به صورت کتاب منتشر می‌شوند. اتفاقاً دانشگاه قم از انتشار پایان‌نامه‌ها استقبال می‌کند و دانشجویان هیچ‌گونه تعهدی بر عدم انتشار پایان‌نامه ندارند. در مجموع به نظر می‌رسد ناقد محترم بیش از آنکه در پی معرفی و نقد کتاب بوده باشد، کوبیدن و انگ زدن بدان را مطمئن نظر قرار داده است. سخن آخر آنکه این کتاب با همه کاستی‌هایش آغازی است برای پژوهش‌های بی‌شماری که ان‌شاءالله در عرصه مطالعات حدیثی خاورشناسان انجام خواهد گرفت.

15. Uri Rubin.

۱۶. در شمار این مناقشات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

Motzki, Harald, "Quo vadis Hadith-Forschung? Eine kritische Untersuchung von G. H. A. Juynboll: 'Nafé' the Mawla of Ibn Umar and his Position in Muslim Hadith Literature", *Der Islam* 73 (1996), pp. 40-80, 193-231

Motzki, Harald, "The Prophet and the Cat: On dating Malik's Muwatta and legal traditions", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 22 (1998), pp. 18-83

Motzki, Harald, *The Origins of Islamic Jurisprudence Meccan Fiqh before the Classical Schools*, Brill, Leiden, Boston, Köln, 2002.

Motzki, Harald, "The Murder of Ibn Abi l-Huqayq: On the Origin and Reliability of some Maghazi -Reports," in : H. Motzki: *The Biography of Muhammad*, Leiden, 2000, pp. 170-239.